گفت‌وگوی احمد غلامی با **سیدمحمدسعید نوری نائینی** و **علی دینی ترکمانی** درباره آینده ایران

توسعه یا پیشرفت مسئله این است

مفهوم «توسعه» اغلب با «پیشرفت» مترادف تلقی می‌شود. از این‌رو در نشست اخیر برنامهٔ «برخورد» با حضور کارشناسان حوزهٔ اقتصاد، سید محمد سعید نوری نائینی و علی دینی ترکمانی، به تفاوتِ مفهوم توسعه و پیشرفت، هم‌چنین چشم‌اندازِ آینده ایران در ریوتو مسئله توسعه پرداخته‌ایم. دکتر نوری نائینی معتقد است توسعه معنا و تاریخچه و ویژگی‌های خاص خود را دارد و به هر وضعیتی نمی‌توان توسعه گفت. چه آنکه ممکن است کشوری پیشرفت کرده باشد اما در معنای خاص توسعه نیافته باشد. دکتر دینی ترکمانی پیشرفت را ناظر بر تحولات تکنولوژیک و فناورانه می‌داند، مانند آنچه در چین رخ داده است. اما توسعه را مفهومی فراتر از آن می‌داند که ابعاد سیاسی و فرهنگی دارد. در عین حال، توسعه زاده عصر روشنگری است و الزامات خاص خود را دارد که ازجمله دغدغه رفاه و زندگی بهتر و تکریم شأن و منزلت فرد و شکل‌گیری یک نظام پارلمانی و حزبی است و تأمین این الزامات است که توسعه را ممکن می‌سازد. ایران از منظر توسعه در چه جایگاهی قرار دارد. آیا می‌توان ایران را کشوری در حال توسعه خواند یا اینکه ایران از مفهوم توسعه روی گردانده و به پیشرفت فکر می‌کند؟ این‌ها مسائلی است که تعیین تکلیف آن، تأثیر سرنوشت‌سازی بر آینده ایران دارد.

آقای دکتر نوری نائینی در مورد توسعه و امکان توسعه در ایران بحث‌های زیادی مطرح می‌شود. آیا در شرایط کنونی و با روند اقتصادی موجود که همه از آن مطلع هستیم، امکان توسعه در ایران وجود دارد؟

نوری نائینی: برای اینکه به این سؤال پاسخ دهیم اول باید ببینیم مراد ما از توسعه چیست. به نظر من توسعه در ایران درست شناخته نشده. درست است که همه از توسعه صحبت می‌کنیم، توسعه می‌خواهیم و از وضع موجود که توسعه‌نیافته است ناراحت هستیم، ولی واقعیت این است که تعریف دقیق توسعه را نمی‌دانیم. توسعه به طور کلی پدیده‌ای است که در اروپا اتفاق افتاد. واژه نوزایی یا رنسانس است که موجب تغییر فکر و اندیشه و علم و فلسفه شد. گروهی بسیار جمگیر بودند و در کمتر از نیم‌قرن به یکی از دو قدرت جنگی نظامی سیاسی دنیا تبدیل شدند. با این حال کشوری توسعه‌یافته نیست. احیاء رنسانس جمهور چین به آمریکا سفر کرد و در پیامی به آمریکایی‌ها گفت شما بزرگترین کشور توسعه‌یافته و ما بزرگترین کشور در حال توسعه هستیم. خودشان هم این را قبول دارند. ولی آنچه در ایران وجود دارد مازمانیانی با ویژگی‌های توسعه‌یافته و آنچه باید باشد، تفاوت‌های بسیار زیادی دارد. ما نمی‌توانیم بگوییم توسعه‌یافته‌ایم چون پیشرفت کردیم که نگردیم؛ یا نمی‌توانیم بگوییم کره چون از ما بهتر است. توسعه‌یافته‌ترین است. دراوقع کشور پیشرفته‌تر است ولی توسعه‌یافته نیست. بنابراین توسعه با مفهوم و ویژگی‌هایی که در دنیا شناخته می‌شود، چیز دیگری است و ما وقتی از توسعه صحبت می‌کنیم تقریبا این مفهوم را نادیده می‌گیریم و هر پیشرفت و کامی که به جلو می‌رویم یا نمی‌رویم، توسعه تلقی می‌کنیم. بنابراین دو نوع تلقی از توسعه وجود دارد. یکی تلقی غربی توسعه که اتفاق افتاده و دیگری واژه توسعه که با مفاهیم بسیار متفاوتی در ایران استفاده می‌شود. حتی کلمه توسعه‌یافته که به آن توسعه می‌گوییم. در داخل کشور به مفاهیم مختلفی به کار رفته. مثلا در مورد سازمان کشوری توسعای صنایع ایران development «آکسرش» معنی کردهایم. بنابراین این تفاوت را در نظر بگیریم و بگوییم زمانی که در ایران از توسعه صحبت می‌کنیم. دراوقع از نوعی پیشرفت و نوع موجود سخن می‌گوییم. در حالی که توسعه در کشورهای توسعه‌یافته معنا و ویژگی‌های خود را دارد.

آقای دکتر نوری نائینی به نکته مهمی اشاره کردند و توسعه را از پیشرفت جدا کردند و گفتند می‌شود پیشرفت کنیم اما توسعه‌یافته نباشیم. بعد به الزامات کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته خواهیم پرداخت. اما پیش از آن می‌خواهم نظر شما را بپرسم که آیا بر این اساس می‌توان ایران را کشوری در حال توسعه خواند. چون این مفهوم در مورد ایران خیلی رایج شده است؟

دینی ترکمانی: برای اینکه به نکته مهمی اشاره کردند که شما اشاره کردید که ما یک کشور در حال توسعه مشخص هستیم. کلمهٔ درست بیشتر ناظر بر تحولات تکنولوژیک است. مفهوم توسعه که در چین رخ داده است. توسعه اما ابعاد سیاسی و فرهنگی هم پیدا می‌کند و به وجهی با آنچه ذیل بحث مدرنیته مدنظر است، انطباق پیدا می‌کند. در واقع مدرنیته تکریم شأن و منزلت فرد و شکل‌گیری یک نظام پارلمانی و حزبی است که از درونش توسعه در معنای وسیع کلمه رخ می‌دهد. بنابراین می‌شود اقتصادهایی داشت که پیشرفت و ترقی برحسب شاخص فناوری و تحولات اقتصادی داشته باشند، اما برحسب مفهوم توسعه توسعه‌یافته نباشند. این نکته کاملا درستی است. البته لازم است اضافه کنم که حتی مفهوم پیشرفت و ترقی هم که در ایران صورت گرفته است برخی بزرگنمایی کنند، دقیقا عدم روشنگری است. منتها در یک فرایند تکاملی است که مفهوم توسعه وجود دارد. پیشرفت و ترقی مفهوم متعلق به روشنگری است و بیانگر این مسئله است که انسان دغدغه یک زندگی بهتر را دارد. انسان نسبت به دوره‌ای که از قرون وسطی به دوره روشنگری گذار کرد، دغدغه رفاه بالاتر پیدا می‌کند. بنابراین پیشرفت و ترقی هم بدون تأمین الزاماتش نمی‌تواند رسید. یعنی با حلوا حلوا گفتن جلو دهان پر نمی‌شود. باید دید کشورهای دیگر چه کردند. آن الزامات و پیش‌شرط‌های لازم تأمین شوند تا پیشرفت در این معنای محدودش محقق شود و شرایط بهتری فراهم شود تا توسعه به وجود بیاید. اتفاقا در یکی از کتاب‌های یک دکتر نوری نائینی بهترین ترجمه را از آن ارائه کرده‌اند، «توسعه یعنی آزادی» نوشته اقتصاددان بسیار برجسته خودمان آمارتیا سن، همین بحث مطرح شده که ما نمی‌توانیم به توسعه به‌صورت تک‌بعدی نگاه کنیم. توسعه پروژه‌ای است که به تعبیری با یک نگاه دیالکتیکی تحت تأثیر عوامل سه‌جانبه اقتصاد، سیاست و فرهنگ است. پس گشایش‌های سیاسی نقش بسیار مهمی دارد. گشایش‌های اقتصادی هم در نهایت باید سر از کشایش‌های سیاسی دربیاورد. اگر اقتصاد یک کشور به لحاظ اقتصادی و تکنولوژی توسعه پیدا کند، ولی ساختار سیاست و قدرتش بسته باقی بماند، مثل چین، طبعا در آینده دچار چالش خواهد شد، مگر اینکه به این نیاز مهم جامعه پاسخ بدهد. اما درباره نکته‌ای که شما درباره تعبیر در حال توسعه بودن اشاره کردید، این ترمی است که بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد. در دوره‌ای که ادبیات توسعه مطرح شد و نظریه‌پردازی‌هایی صورت گرفت و اقتصاددانان برجسته‌ای مثل آرتور لوئیس و تودورو شولتز برنده جوایز نوبل شدند. تقسیم‌بندی کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته مطرح شد. در حال توسعه یک اصطلاح مؤدبانه است که به‌جای توسعه‌یافته به کار می‌رود و تجربه تاریخی از آن زمان تاکنون نشان می‌دهد برخی از کشورها مثل کره جنوبی که در